

مزایای دو زبانی و چند زبانی: آموزش زبان مغز را تقویت می بخشد

نویسنده: نوروز علی ثابتی

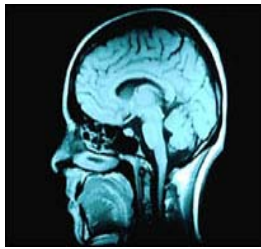
تاریخ: 14 سپتمبر 2012

زبان یک موجود زنده است که متولد می شود، رشد می کند و نابود می شود. در هر صورت، زبان یک قابلیت انسانی است که با ما یعنی انسان هوشمند (حیوان ناطق = homo sapien) رشد می کند و ما کسانی هستیم که به زبان حیات می بخشیم، و آنرا تغییر و تحول می دهیم، و در صورت تمایل آن را کنار می گذاریم.¹

اصطلاح «دو زبانه» برای کسی اطلاق می گردد که آن شخص قادر به تکلم با دو زبان است. همچنان، کشوری که دارای دو زبان رسمی باشد، آنرا هم کشور دو زبانه گویند. اصطلاح «چند زبانه» به کسی اطلاق می گردد که قادر باشد که با بیش از دو زبان تکلم کند. در زبان انگلیسی شخص دو زبانه را (Bilingual) و دو زبانی را (Bilingualism) و شخص چند زبانه را (Multilingual) و چند زبانی را (Multilingualism) می گویند و کسی که به چند زبان، صحبت کردن، خواندن و نوشتن را بداند، او را «چند زبان فهم» و یا (polyglot) یاد می کنند. کشورهای در جهان وجود دارند که دارای یک زبان ملی اند و شهروندان آنها با همان زبان صحبت می کنند. ولی کشورهایی هستند که بر علاوه زبان ملی شان، زبان های دیگری هم دارند که اقلیت ها را استفاده می برند. مثلاً در افغانستان دو زبان ملی (دری و پشتو) وجود دارد که همه افراد باید در مکاتبات و کارهای اداری از آنها استفاده کنند. ولی در پهلوی آن (30) زبان زنده دیگر در افغانستان وجود دارد که غیر رسمی هستند. غیر رسمی به این معنا که در ادارات دولتی از آنها کار گرفته نمی شود. از آنجمله زبان های گروه پامیری در ولایت بدخشان افغانستان است که عبارتند از: زبان شغنانی- روشانی، اشکاشمی- سنگلیچی، واخانی، منجانی، و زبان های گروه آلتایی مانند قرغیزی و ازبیکی را می توان نام برد. چون گویندگان این زبانها، از نقطه نظر جغرافیایی به هم پیوسته بوده و با هم در ارتباط می باشند، جهت افهام تفهیم از زبان دری کار می گیرند. بنابراین، اکثر گویندگان زبان های پامیری دو زبانه و چند زبانه هستند. شغنانی ها، واخانی ها، منجانی ها، ازبک ها و قرغیز ها با وجود اینکه در بین خود با زبان مادری شان تکلم می کنند، ولی در مکاتبات و امور اداری از زبان دری کار می گیرند. هنوز هم در بین گویندگان این زبانها افرادی پیدا می شوند که تک زبانه هستند، یعنی بدون از زبان مادری خود، زبان دوم را نمی دانند، ولی اکثریت اهالی گویندگان زبان های پامیری دو زبانه هستند، که بر علاوه زبان مادری شان، زبان بین الاقوامی دری را نیز می دانند. بعضی افراد را نظر بر اینست که گویندگان زبان های پامیری، باید زبان شانرا رها نمایند که در کشور رسمیت ندارند و نصاب تعلیمی دولتی با زبان های دری و پشتو تدوین می گردد، و شاگردان این مناطق نمی توانند زبان دری و یا پشتو را خوب یاد بگیرند، و یا در مجالس و محافل ابراز نظر کنند، و یا دیدگاه های خود را با دیگران شریک سازند؛ و می گویند که زبانهای اقلیت پامیری باعث عقب ماندگی ذهنی ساکنین پامیر زمین گردیده اند و شاگردان و دانشجویان در دانشگاه ها با مشکلات روبرو هستند، چون آنها زبان دوم را خوب بلد نیستند، نمی توانند در جر و بحث ها اشتراک کنند،

¹ . <http://linguist1969.blogfa.com/post-24.aspx>

و یا طرف مقابل را قناعت دهند. همچنان، در حصه کار یابی، و در هنگام اجراءات و وظیفوی هم مشکلات دارند.



در اینجا، این سوال مطرح می گردد که آیا برآستی چنین ادعا ها درست هستند؟ آیا زبان اقلیت سبب جلوگیری رشد انکشاف فردی، دماغی، و اجتماعی افراد شده می تواند؟

تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده اند، عکس این قضیه را ارائه می دهند.

پژوهش اخیر دانشمندان نشان می دهد که یاد گیری زبان دوم باعث تقویت حجرات عصبی می گردد. قسمی که عضلات یک ورزشکار در اثر ورزش متداوم مقاوم می شوند، سیستم مغز انسان هم اینطور عمل می کند. ساینس دانها در دانشگاه کالج لندن، در این زمینه تحقیقات انجام داده اند و یافته های پژوهش آنها در مجله نیچر در سال 2004 نشر گردید. سپس، فشرده این تحقیق در وب سایت انگلیسی بی بی سی به نشر رسید. متن کامل آنرا از انگلیسی به دری برگردان نمودم.²

آموزش زبان مغز را تقویت می بخشد

(برگرفته از متن انگلیسی موجود در سایت انگلیسی بی بی سی)

« ساینس دانها معتقدند که یاد گیری زبان دوم، قدرت مغز را افزایش می دهد.

گروهی از محققین از دانشگاه کالج لندن، مغز 105 فرد را تحت مطالعه قرار دادند که 80 نفر آنها « دو زبانه » بودند.

آنها، در جریان تحقیقات در یافتند که: قسمی که ورزش عضلات را رشد می دهد، یادگیری زبانهای دیگر هم، ماده خاکستری رنگ مغز (ناحیه ای در مغز است که داده ها ویا اطلاعات را پردازش می کند) را تغییر می دهد.

تیم تحقیقاتی گفت: به احتمال زیاد، ماده خاکستری رنگ مغز افرادی که آنها زبان دوم را در دوران طفولیت یاد گرفته بودند نسبت به آنهایی که زبان دوم را دیر تر یاد گرفته اند، انکشاف یافته تر است.

ساینس دانها میدانستند که مغز در نتیجه شبیه سازی (یک نوع تاثیری گذاری ایکه بنام شکل پذیری «plasticity» یاد می شود) توانایی تغییر ساختارش را دارد. مگر یافته های این پژوهش نشان می دهد که چطور آموزش زبان آنرا انکشاف می دهد.

² کسانی که میخواهند مطالب این نوشته با به زبان انگلیسی بخوانند؛ متن انگلیسی آن در وب سایت بی بی سی قابل دسترس می باشد.

تیم پژوهشی، مغز 83 نفر را تصویر برداری (اسکن) کرد که از آنجمله 25 نفر بریتانیایی که آنها زبان دوم را نمی دانستند، 25 نفر دیگر که آنها زبان دیگر اروپایی را پیش از سن پنج سالگی آموخته بودند، و 33 نفر دیگر که آنها زبان دوم را بین سنین 10 الی 15 سالگی آموخته بودند. تصاویر گرفته شده نشان دادند که غلظت ماده خاکستری رنگ در طرف چپ مغز (در زیر قشر مخ) در دو زبانه ها، نسبت به کسانی که زبان دوم را نمی دانستند، زیاد تر بود. یافته های این پژوهش که در مجله نیچر (Nature) نشر شد، نشان داد که: تاثیر گذاری آن (آموختن زبان دوم)، خاصتن در دو زبانه هایی که در سن طفولیت زبان دوم را آموخته بودند، محسوس بود.

همچنان تحقیق دیگری بالای 22 نفر ایتالیایی زبان صورت گرفت که آنها زبان انگلیسی را بمثابه زبان دوم بین سنین 2 الی 34 سالگی یاد گرفته بودند. یافته این تحقیق هم عین چیز را ارائه داد.

آندریا میشیلی، رئیس تیم تحقیقاتی انستیتوت نیورولوژی (عصب شناسی) در دانشگاه کالج لندن (UCL) اظهار داشت که یافته های تحقیق ارائه دادند که چرا افراد خورد سن زبان دوم را به سهولت می آموزند.

تاثیر گذاری:

این بدان معنی است که افراد مسن قادر نیستند مانند افراد خورد سن در آموزش زبان سلیس باشند.

در یادگیری زبان دوم، افراد مسن به اندازه افرادی که آنها (طور مثال، زبان دوم را بین سنین 5 تا 10 سالگی یاد گرفته باشند)، خوب نمی باشند.

ولی، سیلت (Cilt) که یک مرکز ملی زبانها است، در این مورد تردید دارد که آیا یاد گیری زبانها در سنین طفولیت آسانتر بوده یا خیر؟ یک سخنگوی اظهار داشت که: بر مبنای یافته ها و مدرک بی اساس، نظریات متعارض در مورد مقایسه تاثیر گذاری فراگیری زبان در بین گروه های متفاوت سنی وجود دارد. بهر صورت، او گفت که این با اهمیت است که افراد خورد سن به آموزش زبانها در بریتانیا آغاز نمایند. سروی آخری نشان داد که از بین 10 نفر کارگر بریتانیایی فقط یک نفر قادر به سخن گفتن به زبان دوم است. ولی، تا سال 2010، تمام مکاتب ابتدایی باید دروس زبان را برای اطفال فراهم نمایند.»

از سوی دیگر، چون سلول های مغز در دو زبانه ها رشد می کنند و تقویت می یابند، کمتر به مریضی های روانی مبتلا می گردند. قسمی که مطالعه ای در کشور کانادا صورت گرفته، مبین آنست که دو زبانه ها در مقابل مرض الزایمر (Alzheimer) مصئون تر هستند.³

منفعت چند زبانه بودن

در جهانی که زندگی می کنیم، شبیه به یک ظرف ذوب کننده (melting pot) است و یخ ها را که، از هر نقطه دنیا بیاورند و در آن ظرف بیندازند، همه شکل « آب » را بخود اختیار می کنند. در زبان دری، در این

³. Rozenn Milin, **The benefits of multilingualism**, submitted by: Maité Naudan, Submitted on: 01/26/2011, Available from: <http://www.real-association.eu/news/benefits-multilingualism>

مورد یک ضرب المثل وجود دارد: هر چه که در معدن نمک افتد، تبدیل به نمک می گردد. این بدان معنا است که زبان های بزرگ مانند همان ظرف ذوب کننده و یا معدن نمک هستند که زبان ها و فرهنگ های کوچک را در خود منحل می کنند. ولی، با وجود این، چند زبانه بودن (polyglot) دارای مزایای خاص خود است. مشکل تک زبانه ها (monolinguals) در این است که آنها دنیا را فقط از عینک خود به مشاهده می نشینند. چنانچه لودویگ ویتگن اشتاین، فیلسوف اتریشی، گفته است: «مرزهای زبان من، سرحد دنیای من است». ولی، کسانی که چند زبانه هستند، آنها از دنیای خود کامگی می بر آیند و با فرهنگ های مختلف آشنا می شوند. بینش آنها در مورد دنیا تغییر می خورد، و دنیا را با عینک های مختلف به مشاهده می نشینند. بخاطر اینکه، هر زبان آیده ها (نظریات) را با شکل خاص خود بیان می دارد و این برای انسان امکانیت می دهد تا به جهان از زوایای مختلف نگریسته شود، تا بینش های تازه را کماهی کند و در مورد فرهنگ خود و دیگران آگاهی حاصل گردد. آنهایی که دو زبانه و یا چندین زبانه هستند، در قسمت آموزش پویا تر بوده و توانایی حل معضلات در آنها انکشاف می کند. در نتیجه، اطفالی که دو زبانه و یا چندین زبانه هستند، در مکاتب خوبتر عمل می کنند و متمایل به توسعه بیشتر معنویت نسبت به شاگردان تک زبانه هستند. و این نظریه در افغانستان هم صدق می کند. کسانی که در کشور پاکستان در مهاجرت بسر برده اند، اطفال شان، بر علاوه زبان مادری شان، زبان های اردو و انگلیسی را یاد گرفتند، و بعد از بر گشت به کشور، اطفال شان در مکاتب امتیازات عالی را کسب نموده اند. همه این اطفال در مکاتب ممتاز بوده، و آن عده ای که به سن جوانی رسیده اند، اکنون در دانشگاه های مختلف کشور مصروف آموزش هستند. نمونه آن در ولسوالی های شغنان و اشکاشم کاملن مشهود است. اطفالی که از مهاجرت از کشور پاکستان بر گشته اند، دارای نمرات عالی و انجام فعالیت های آموزشی (performance) بهتر نسبت به شاگردان محل دارند. علتش اینست که با یاد گرفتن زبان اردو و انگلیسی، سلول های مغز شان انکشاف یافته است و آنها مطالب دروس را سریع تر و با سهولت درک می کنند. بر علاوه این، دانستن زبان دوم، سوم، چهارم، و ... دارای مزایایی می باشد، که در زیر آماده اند: ⁴

الف: مفاد در قسمت درک و پردازش مغز (Cognitive Benefits): قدرت تفکر و خلاقیت در فرد چند زبانه رشد می کند و توانایی این را پیدا می کند که با انعطاف بیشتر تحلیل کند. اینگونه افراد برای هر شی و

⁴ 7 Benefits From Being a Polyglot And The Idea of Multilingualism, Available from: <http://www.lifestyleupdated.com/2012/03/12/7-benefits-from-being-polyglot-idea-of-multilingualism/>

The Magial Frog, French Club (n.d.) 'The Advantages of being Multilingual', Available from: www.themagicalfrog.com/.../Advantages-of-being-Multilingual.pdf

یا هر نظریه، دو و یا بیشتر کلمات بر می‌گزینند و نسبت به تک زبانه‌ها، در مقابل ضروریات شنوندگان، حساس‌تر هستند. چند زبانه بودن تأثیر مثبت در رشد معنوی یک شخص دارد.

ب: مفاد در قسمت نصاب آموزشی (Curriculum Benefits): چند زبانه‌ها، در تحلیل قضایا ظرفیت بیشتر دارند. قدرت سخن گفتن به چندین زبان، این افراد را قادر می‌سازد تا خوبتر بیاموزند و بهتر درک کنند. چند زبانه‌ها در هنگام آزمون‌ها و امتحانات هم دست‌آورد‌های خوب دارند. آنها می‌توانند به سهولت یک زبان دیگر را هم بیاموزند.

ج: مفاد در قسمت ارتباطات (Communication Advantages): چند زبانه‌ها از مهارت‌های خاص خواندن و نوشتن در زبان‌های مختلف برخوردار هستند. آنها ادبیات چندین زبان را می‌دانند که این به خودی خود برای آنها دانش ژرف‌تر در مورد نظریات و سنت‌های عنعنوی را ارزانی می‌دارد؛ و این کاملن آشکار است که زمانی که آنها در کشور‌های مختلف به مسافرت می‌روند، در افهام و تفهیم و ارتباط گرفتن با افراد و اشخاص مشکل ندارند.

د: مفاد فرهنگی (Cultural Advantages): چند زبانه‌ها با فرهنگ‌های نا همگون‌آشنایی دارند. بنا به داشتن تجربیات وسیع فرهنگی، در قسمت تفاوت‌های فرهنگی در اعتقادات و رسوم دیگران، بردباری بیشتر و مفکوره‌باز دارند.

ه: مفاد در قسمت شخصیت (Character Advantages): بوسیله زبان بین افراد ارتباط برقرار می‌شود. زمانی که یک شخص با زبان مادری‌ما، با ما صحبت می‌کند، تمایل داریم که با آنها ارتباط داشته باشیم. این بخودی خود ارتباطات را با افراد دیگر از کشور‌های مختلف استحکام می‌بخشد و حس اعتماد به نفس را (زمانی که با دیگران ارتباط برقرار می‌کند)، افزایش می‌دهد.

و: مفاد برای سلامتی (Benefits to Health): پژوهش‌های اخیر در رشته طبابت نشان دادند که چند زبانه بودن می‌تواند از عارضه‌های (symptoms) پیری زودرس با تقویت‌سازی فعالیت مغز، جلوگیری کند. و می‌تواند باعث طول عمر گردد.

ز: مفاد در قسمت به کارگماری (Employment Benefits): چند زبانه بودن، دانش و فهم یک شخص را افزایش می‌دهد و این بطور شگفت‌انگیز، در خلص سوانح (CV) یک شخص کارگر واقع می‌گردد. در وقت انتخاب کارمند، یک شخص دو زبانه نسبت به یک شخص تک زبانه در ارجحیت قرار می‌گیرد. دو زبانه و یا چند زبانه بودن فرصت‌های کار یابی را در عرصه‌های مختلف عرضه می‌کند. دو زبانه‌ها و

چند زبانه ها فرصت های حرفوی و مسلکی را در بخش هایی مانند، خرده فروشی ها، نمایندگی های مسافر بری و سیاحتی، پست های اداری، ارتباطات عامه، بازاریابی، بانک داری، محاسبات، ترجمانی، حقوق، و تدریس و آموزش، و غیره پیروزی هایی را از آن خود می کنند.

نتیجه گیری

اینکه گفته می شود زبان شغنانی بحیث یک زبان اقلیت باعث پسمانی رشد و انکشاف دانشجویان شغنانی گردیده است، یک تصور غلط بوده، و کسانی که این نظریه را مطرح می کنند، به خطا رفته اند. اگر زبان شغنانی در نظام نصاب تعلیمی علاوه گردد و بطور سیستماتیک در مکاتب تدریس گردد، این امر باعث پیشرفت در روند آموزش شاگردان می گردد. شاگردان مسایل فولوژیکی، صرفی و نحوی را خوبتر درک می نمایند، و آنرا به شکل تطبیقی با سایر زبان های شامل نصاب تعلیمی (دری، پشتو، عربی، و انگلیسی) بکار گرفته و این زبان ها را به وجه احسن یاد می گیرد. از یک طرف، این روند برای زبان شغنانی و ادبیات آن غنا می بخشد، و از سوی دیگر، آنرا از خطر انقراض نجات می دهد، و از طرفی مزایایی که در بالا ذکر شدند، شاگردان از آنها بهره ور خواهند شد.

در دوران شوروی سابق، یک سروی صورت گرفت و نتایج این سروی نشان میداد که فیصدی سواد در جهان در اتحاد شوروی سابق بلند بوده و در داخل شوروی، کشور تاجیکستان دارای ارقام بلند افراد با سواد نشان داده شد. در داخل جمهوری تاجیکستان، ولایت خود مختار بدخشان کوهی این امتیاز را کسب کرده بود که بیشترین افراد با سواد در آنجا رقم خورده بود. این در حالیست که همه باشندگان بدخشان کوهی بزبان دوم و یا بزبان سوم آموزش دیده اند که زبان تاجیکی و یا زبان روسی در آن دوره مروج بود. با وجودیکه بدخشانی های تاجیکستان (پامیری ها) بزبان های مختلفی چون شغنانی، روشانی، یزغلامی، اشکاشمی، واخانی، و قرغیزی تکلم می کنند که زبان اول (زمان مادری) شان است، چه قسم به این دست آورد بزرگ (سطح سواد بلند) نایل گردیده اند. پس همان تحقیقات دانشمندان دانشگاه کالج لندن درست است که آموزش زبان دوم مغز را تقویت می بخشد که در نتیجه آن، پامیریان ممتاز بر آمده بودند.

در اینجا، تجربیات شخصی خودم را باز گو می کنم.

بتاریخ چهاردهم ماه نوامبر سال 2011، طی یک بازدید رسمی از کشور پرتگال، از دو مکتب تحت پوشش بنیاد آقا خان، بازدید بعمل آوردیم. نام آن مکاتب، مکتب متوسطه پادری البرتو نتو (Padre Alberto Neto) در حومه شهر لزبون و مکتب متوسطه سیوماره ده کوسته پریمو (Seomara da Costa Primo) در شهرک امادورا (Amadora) است. ضمن ملاقات با مدیران مکتب و معلمین، از صنوف درسی، و

فعالیت های شاگردان بازدید بعمل آوردیم. در جریان گفتگو ها، با خانم سوزانا (Sozana)، معلمه مکتب پادری البرتو نیتو، صحبت نمودیم. ایشان گفتند که آن مکتب، یک مکتب پلورالستیک (کثرت گرا) بوده و در آنجا شاگردان از تمام نژاد ها وجود دارند و یاد آور شد که در آن مکتب شاگردانی هستند که زبان مادری آنها پرتگالی نیست، و زبان پرتگالی، زبان دوم برای آنها است. ایشان گفتند که در آن مکتب، شاگردان به (52) زبان مختلف صحبت می کنند ولی زبان رسمی آموزشی، زبان پرتگالی است. ضمنن، کلاس های درسی زبان های خارجی هم در آنجا وجود داشت. یک قصه جالب دیگر اینکه، در افغانستان اشخاص تنها متخصص یک زبان شده می توانند، و یک زبان را در مکاتب، و دانشگاه ها تدریس می کنند. ولی خانم سوزانا گفتند که در آن مکتب چهار زبان مختلف را تدریس می کند. یک ساعت در کلاس انگلیسی، و ساعتی در کلاس اسپانیایی، و ساعتی هم در کلاس آلمانی. از ایشان در قسمت یاد گرفتن زبان، بکار گیری لهجه ها، و تکیه صدا، و آهنگ جملات پرسیدم که آیا حین حرف زدن واژه های این زبان ها از نزدش گد (mix) نمی خورند، و یا به اشتباه گرفته نمی شوند. ایشان تبسم کردند و گفتند: اگر دقت صورت نگیرد، گد خوردن واژه ها حتمی است و گاهی میشود که در کلاس آلمانی، نا خود آگاه واژه های اسپانیایی را بکار ببرم و بر عکس این امر هم صورت می پذیرد. و او گفت که اگر تمرین و ممارست را توقف دهد، واژه های زبان به دست فراموشی سپرده می شوند. حالا سوال در اینجا است که چگونه آن خانم، معلم مسلکی و حرفوی در چهار و پنج زبان مختلف شده است؟ ایشان علاوه نمودند: زمانی که انسان زبان دوم را می آموزد، یاد گیری زبان های سوم و چهارم آسانتر و سریعتر صورت می پذیرد. او گفت که مادرش انگلیسی زبان، و پدرش آلمانی زبان است و این زبان ها برایش زبان اول هستند که از والدین خود یاد گرفته است و ضمنن در کورس های آموزشی زبان ها، آنها را بشکل سیستماتیک آموخته است. و زبان پرتگالی و اسپانیایی را در دانشگاه آموخته است. این واقعیت در خانواده من هم وجود دارد. زبان مادری پسر کاکای من (گل نظر خان) شغنانی است، و زبان مادری همسر او (واخی) است. فرزندان او بهر دو زبان صحبت می کنند. ضمنن، در هنگام مهاجرت در پاکستان، فرزندانش زبان های اردو و انگلیسی را هم بلد شده اند. در واقعیت امر، فرزندانش به پنج زبان (دری، شغنی، واخانی، انگلیسی، و اردو) بطور سلیس و روان صحبت می کنند و شاید با پشتو هم کمی بلدیت حاصل نموده اند، و در آینده، زبان های دیگری را (اگر تلاش کنند) خواهند آموخت.

آیا، زبان مادری و زبان پدری آنها، سدّ راه پیشرفت های آموزشی شان شده است؟ هرگز نه. بر خلاف این نظریه، آنها نمرات ممتاز را کسب نموده اند.

آقای دوکتور پیکار، بر علاوه زبان مادری خود (شغنانی)، بالای زبان های دری، پشتو، ازبیک، روسی، و انگلیسی کاملن مسلط است و شاید زبان اردو را هم بداند. آقای سرور ارکان بر علاوه زبان مادری خود

(شغنانی)، زبان های دری، پشتو، روسی، فرانسوی، و انگلیسی را بلد است. آقای دکتور پامیرزاد، بر علاوه زبان مادری خود، با زبان های دری، پشتو، اردو و انگلیسی بلدیت دارد. و چندین فرد و جوان شغنان زمین چند زبانه می باشند. آیا این زبان شغنانی بوده که سدّ راه پیشرفت تحصیلی شان شده، و یا در قسمت پیشرفت های آموزشی برای آنها کمک نموده است؟

اگر در قسمت بکار گماری در افغانستان دقت صورت گیرد، پشتون ها بیشتر بکار گماشته می شوند، و بعضی اینرا مسئله ناسیونالیزم، و قوم گرایی (Nepotism) تلقی می کنند. شاید در بعضی از ساحات کاری تبعیض زبانی و منطوقی وجود داشته باشد. ولی اگر به اصل قضیه نظر اندازی شوند، اکثر افراد تحصیل کرده پشتون دو زبانه و یا چند زبانه هستند، و در قسمت فهمش زبان در ارجحیت قرار می گیرند. اکثریت تحصیل کردگان پشتون به زبانهای « دری » و « پشتو » حرف زده می توانند، ولی پارسی زبانان به آموزش زبان کمتر ارج می نهند، و از دیگران دعوت می کنند تا زبان آنها را بیاموزند و با آنها با زبان اصیل دری سخن بگویند. با وجود این، در این اواخر جوانان درک کرده اند که بخاطر به گماری، سفر در کشور های خارجی، ادامه تحصیلات عالی، و غیره نیاز به آموختن زبان های ملی و بین المللی است تا به موفقیت های بیشتر علمی، کاری، فرهنگی، تحصیلی، و غیره نایل آیند.

منابع و مأخذ:

BBC (2004), 'Learning languages boosts brain', Available from: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/health/3739690.stm> (Accessed: 13 September 2012)

Desik, Slavco (2012), '7 Benefits From Being a Polyglot And The Idea of Multilingualism', Available from: <http://www.lifestyleupdated.com/2012/03/12/7-benefits-from-being-polyglot-idea-of-multilingualism/> (Accessed: 13 September 2012)

Rozenn Milin, **The benefits of multilingualism**, submitted by: Maïté Naudan, Submitted on: 01/26/2011, Available from: <http://www.real-association.eu/news/benefits-multilingualism> (Accessed: 13 September 2012)

The Magial Frog, French Club (n.d.) 'The Advantages of being Multilingual', Available from: www.themagicalfrog.com/.../Advantages-of-being-Multilingual.pdf (Accessed: 13 September 2012)